

## گفت و گو با

## اندیشمند برجسته جهان اسلام

## دکتر محمود احمد غازی

[بخش نخست]

محمّد شهنازی فر / شبیر احمد صمدانی

**اشاره:** دکتر محمود احمد غازی یکی از شخصیت‌های علمی و اندیشمندان برجسته جهان اسلام، از کشور پاکستان است. وی در حال حاضر در کشور قطر اقامت دارد و در دانشکده مطالعات اسلامی مؤسسه قطر، مشغول تدریس، برنامه‌ریزی و انجام کارهای علمی و پژوهشی است؛ در ضمن ریاست شورای عالی نظارت بر بانک‌های اسلامی وابسته به بانک مرکزی پاکستان را برعهده دارد و از راه دور به امور آن رسیدگی می‌کند. شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف تخصصی و بین‌المللی در خصوص دین اسلام و علوم اسلامی و همچنین مشارکت در برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های علمی برای معرفی دین اسلام در کشورهای غربی یکی دیگر از مشغله‌ها و برنامه‌های ایشان است. از مناصب و مسئولیت‌های پیشین ایشان می‌توان از وزیر امور دینی و مذهبی پاکستان به مدت سه سال؛ عضو مؤسس دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد و همچنین ۱۲ سال نایب‌رئیس و چند سال ریاست این دانشگاه؛ ریاست آکادمی دعوت و سپس ریاست آکادمی شریعت دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد؛ عضویت در دیوان عالی پاکستان، و عضویت در «مجمع اللغة العربیة» دمشق نام برد. ایشان در بهار گذشته، به دعوت شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید، مدیر دارالعلوم زاهدان، به ایران و دارالعلوم زاهدان سفر کرد و در مدت یک هفته اقامت در این مرکز علوم دینی به ارائه سخنرانی‌های علمی‌ای در موضوعات مختلف پرداخت. در پایان این سفر، مجله ندای اسلام گفت‌وگویی را با ایشان ترتیب داد که خوانندگان گرامی را با شخصیت، فعالیت‌ها و دیدگاه‌های ایشان بیشتر آشنا می‌کند. این گفت‌وگو در دو بخش انجام شده است و طی دو شماره مجله تقدیم خوانندگان می‌گردد.

۲ در ابتدا مایلیم با شخصیت و فعالیت‌های حضرت عالی بیشتر آشنا شویم، لطفاً ضمن معرفی خویش بفرمایید که چه مناصب علمی و پست‌های مدیریتی‌ای را برعهده داشته و دارید، و در حال حاضر به چه فعالیت‌هایی مشغول هستید؟

۲ قبل از هر چیز از دست‌اندرکاران مجله ندای اسلام صمیمانه تشکر می‌کنم که فرصت این گفت‌وگو را فراهم کردند تا بنده دیدگاه‌ها و اندیشه‌های ناقابل خود را با خوانندگان مجله در میان بگذارم. بنده در حال حاضر در یک مرکز علمی - دانشگاهی جدیدالتأسیس در کشور قطر مشغول فعالیت هستم. دولت قطر خارج از شهر دوحه، یک شهرک علمی - دانشگاهی تأسیس کرده است و دولت‌مردان و مسئولین قطری قصد دارند در این شهرک، نمایندگی‌های دانشگاه‌های معتبر دنیا را ایجاد کنند و مرکزی در سطح بین‌المللی بنیان‌گذاری کنند که تمام علوم و دانش‌های دانشگاه‌های شرقی و غربی را در خود جای دهد تا زمینه جذب دانشجو و دعوت از اساتید برجسته از کشورهای مختلف فراهم شود. در این شهرک، دولت قطر دانشکده‌ای به نام «کلیه‌الدراسات الاسلامیة» تأسیس کرده است؛ آنها می‌خواهند این دانشکده در سطح جهان در زمینه پژوهش‌های اسلامی منحصر به فرد باشد. در این دانشکده، آموزش‌ها و تحقیقات به دو زبان عربی و انگلیسی صورت می‌گیرد. آنها از نقاط مختلف دنیا دانشجویان را به آنجا دعوت می‌کنند و آنان را طوری تربیت و آماده می‌کنند که بتوانند پیام اسلام را با زبان و اسلوبی مطلوب به جهانیان عرضه کنند و در مقابل چالش‌ها و تهدیدات جدید بایستند. در حال حاضر در آنجا زمینه تحصیل تا مقطع فوق‌لیسانس در رشته‌های «فقه المعاصر»، «التمویل الاسلامی» و «فکر و ادیان» وجود دارد. علاوه بر این‌ها برای رشته‌های دیگری برنامه‌هایی در دست تدوین است. بنده فعلاً در این دانشکده مشغول فعالیت هستم و به مدت دو سال از دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد مرخصی گرفته‌ام. بنده از دوران تأسیس دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد با فعالیت‌های آن همراه بوده‌ام؛ حتی پیش‌نویس اول برنامه‌های این دانشگاه

## توضیح بفرمایید؟

❑ برنامه‌ریزان دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد از آغاز تأسیس درصدد بودند از تجربه تمام نظام‌های آموزشی رایج در شبه‌قاره هند استفاده کرده و با مدنظر قرار دادن آنها نظام آموزشی دانشگاه اسلامی را تدوین کنند. در شبه‌قاره چهار نظام آموزشی از شهرت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردارند که از چهار مکتب و جریان فکری نمایندگی می‌کنند:

۱. مکتب فکری دانشگاه علیگر: این مکتب فکری مهم‌ترین وظیفه خود را این تعریف کرد که مسلمانان هند را با علوم جدید و دستاوردهای آن آشنا کند.

۲. مکتب فکری دارالعلوم دیوبند: هدف اصلی آن صیانت و حفاظت از میراث علمی گذشته و معارف اسلامی و تربیت علمایی است که با اخلاص کامل در خدمت دین و امت اسلامی باشند.

۳. مکتب فکری سونم جریان ندوة العلماء است که از یک نگاه برای جمع بین اهداف دارالعلوم دیوبند و دانشگاه علیگر تأسیس شد.

۴. مکتب چهارم جریان فکری جامعه ملیه دهلی است که هدف آن تأسیس دانشگاه علیگر جدیدی بود که در آن همراه با آموزش علوم عصری و جدید، تقویت جذب و شور ملی در نسل آینده نیز مقصود بود تا بدین وسیله افرادی تربیت شوند که در راه اهداف و منافع کشور و ملت دارای جذب و شور کافی باشند.

علاوه بر این چهار مکتب فکری بزرگ، جریان‌های فکری دیگری با تأثیرگذاری محدودتر نیز در شبه‌قاره وجود دارد که هدف همه آنها پاسداری از کیان اسلام و مسلمانان در این سرزمین است.

سعی و تلاش مسئولین دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد این بوده است تا با استفاده از تجربه این چهار نظام آموزشی، نسلی را تربیت کند که همراه کسب مهارت و تخصص در علوم و معارف اسلامی، نیازها و چالش‌های روز را تشخیص داده و برای برطرف کردن نیازها و مبارزه با چالش‌ها چاره‌اندیشی کند. این هدف بسیار مهمی است و سخن گفتن از این که این هدف کاملاً محقق شده است، بسیار دشوار



هم گرایش بنده تاریخ تجدید و احیاءگری در میان مسلمانان است، خصوصاً تاریخ تجدید در سه قرن اخیر. به همین دلیل تمام نوشته‌ها و کتاب‌های من مستقیم یا غیرمستقیم یا با موضوعات فقهی ارتباط دارد یا در مورد تاریخ تجدید و احیاءگری است. تا الان تقریباً سی عنوان کتاب از آثار بنده چاپ و منتشر شده است که بعضی از آنها به زبان عربی، بعضی به اردو و برخی دیگر به انگلیسی است. مدتی است که سلسله سخنرانی‌های علمی‌ای را شروع کرده‌ام که تا الان چهار مجموعه آن نهایی و چاپ شده است: ۱- محاضرات قرآن، ۲- محاضرات حدیث، ۳- محاضرات فقه، ۴- محاضرات سیرت. محاضرات شریعت نیز آماده چاپ، و محاضرات معیشت و تجارت در دست تهیه است. اگر خداوند متعال توفیق دهد ان‌شاءالله این مجموعه به دوازده جلد می‌رسد که دوازده موضوع علمی به هم پیوسته را دربر می‌گیرد. مخاطب این بحث‌ها عامه مردم و دانش‌پژوهانی هستند که در علوم و شریعت اسلامی تخصص ندارند و با مطالعه چنین مجموعه‌هایی می‌توانند به قدر نیاز با مباحث و زوایای مختلف علوم اسلامی آشنا شوند.

❑ حضرت‌عالی از آن دسته از شخصیت‌هایی هستید که با دو نظام آموزشی سنتی و جدید از نزدیک آشنایی دارید؛ هم در مدارس دینی و هم در دانشگاه تحصیل کرده‌اید و سال‌ها با هر دو از نزدیک تعامل داشته و دارید. چندین سال در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت یکی از دانشگاه‌های مطرح جهان اسلام، دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد، کار کرده‌اید؛ لطفاً در مورد شیوه آموزشی و ویژگی‌هایی این دانشگاه

را بنده نوشتیم. بعد از آن در سطوح مختلف مسئولیت‌هایی را در این دانشگاه برعهده داشتم. مدتی ریاست آکادمی «دعوت» و پس از آن ریاست آکادمی «شریعت» را که برای آموزش قضات و وکلای دایر شده بود، برعهده داشتم. دوازده سال نایب‌رئیس دانشگاه بودم و پس از آن مدتی ریاست دانشگاه را برعهده داشتم. در همین دوران به مدت سه سال عضو کابینه و وزیر امور مذهبی پاکستان بودم. با وجود پست وزارت، مسئولیت دانشگاه را نیز برعهده داشتم و هیچ‌گاه ارتباطم را با دانشگاه قطع نکردم، هم تدریس می‌کردم و هم مسئولیت‌های دانشگاه را انجام می‌دادم. قبل از پذیرفتن پست وزارت، عضو دیوان عالی پاکستان بودم که علامه مولانا محمدتقی عثمانی از اعضای برجسته آن بود. البته ایشان از مدت‌ها قبل عضو این دیوان بود و بنده بعدها عضو آن شدم و فرصت یافتم در کنار ایشان کار کنم. بنده چندین دوره عضو شورای عالی نظارت بر اجرای قانون اساسی پاکستان نیز بودم و در راستای تطبیق قوانین جاری حکومتی با شریعت اسلامی تلاش‌های بسیاری انجام داده و با مجالس، کمیته‌ها و کمیسیون‌های متعددی همکاری داشته و دارم. تلاش در این عرصه از دغدغه‌ها و علایق همیشگی بنده بوده است تا با اجرای قوانین اسلامی در پاکستان الگوی عملی‌ای از اجرای قوانین اسلامی ارائه شود و دنیا ببیند که امروزه هم قوانین شریعت اسلامی همان‌طور قابل اجراست که هزار و چهارصد سال قبل اجرا شد. با این فکر و برای این هدف، با وجود این که از پاکستان دورم، ریاست شورای عالی نظارت بر بانک‌های اسلامی وابسته به بانک مرکزی پاکستان را برعهده دارم و از دوحه فعالیت‌هایم را رصد و برنامه‌ریزی‌هایم را انجام می‌دهم. این شورا همچنین تلاش می‌کند که اقدامات پولی و مالی دولت پاکستان در چارچوب بانکداری اسلامی انجام گیرد و با احکام شرع هماهنگ گردد.

## ❑ فعالیت‌های علمی و پژوهشی شما

بیشتر در چه زمینه‌ای بوده است؟  
❑ موضوع اصلی مورد علاقه بنده فقه و تاریخ اسلام است. در بخش تاریخ اسلام



مثبت و مفید فلسفه یونانی در راستای تأیید عقاید و علوم اسلامی و در راه خدمت به اسلام، استفاده کردند. من یقین دارم آن دسته از علمایی که علم حقوق، اصول و مبانی اقتصاد، مدیریت و علوم مورد نیاز دیگر را می‌آموزند - علمی که بتوان در راه خدمت به اسلام از آنها استفاده کرد یا این که به وسیله آنها بتوان علوم اسلامی را با اسلوب و شیوه جدیدی به دنیا عرضه کرد - آنان خدمات خوبی برای اسلام انجام خواهند داد و تربیت چنین علمایی مورد نیاز جامعه اسلامی در عصر حاضر است. هدف این نیست که علما پزشک یا مهندس شوند، بلکه آنها باید عالم دین شوند اما لازم است از میان آنها علمایی مثل امام رازی، امام غزالی، امام شاطبی و امام قرافی تربیت شوند؛ علمایی که علوم جدید زمان خود را با تعمق حاصل کنند و با استفاده از آنها، مهارت‌های اسلامی خود را فروغ بیشتری داده و بتوانند با اسلوب جدید و مطلوبی علوم اسلامی را به دنیا عرضه کنند.

### ▣ به نظر شما راه‌های استفاده از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی برجسته در دنیای غرب چیست؟

▣ به نظر من افرادی به دانشگاه‌های غربی بروند که از نظر آموزش اسلامی خیلی پخته باشند، عقیده اسلامی آنها محکم باشد و بر اسلام فخر بورزند و علمبردار پیام و دعوت اسلام باشند. آنها با این نیت به جهان غرب بروند که از روش‌های تحقیق آن‌جا استفاده کنند، از کتابخانه‌های علمی آن‌جا استفاده کنند و روش‌های تحقیقی و پژوهشی اساتید آن‌جا را ببینند و هر جا چیز خوبی یافتند از آن استفاده کنند. هر چیز خوب هر جا که یافته شود گمشده مسلمان است بنا به روایت «الحکمة ضالة المؤمن حیث وجدها هو أحق بها». اگر افراد قوی بروند و به دانشگاه‌های خوب هم بروند نتایج خوبی حاصل می‌شود. لیکن افراد ناپخته و ضعیف می‌روند و آن‌جا رنگ می‌بازند. البته من افرادی را هم دیده‌ام که به غرب رفتند و با ایمان قوی‌تر و محکم‌تری برگشتند. افرادی را دیده‌ام که قبل از رفتن از لحاظ ایمانی خیلی ضعیف بودند اما در آن‌جا دچار تحوّل ایمانی و دینی شدند و برگشتند.

یعنی کسب مهارت و تخصص در علوم دینی همراه با اخلاص و یک‌سویی، خلل ایجاد می‌شود. اما آنان با رایزنی و تجربه و مشاهده، به این نتیجه رسیدند که این اتفاق نمی‌افتد و می‌توان اطمینان پیدا کرد که در آن اهداف خللی به وجود نخواهد آمد، چنان‌که اکثر علما و تقریباً تمام مدارس بزرگ دینی پذیرفتند که برای طلاب فراگیری زبان انگلیسی، ریاضی، کامپیوتر، تاریخ، جغرافیا و ... امری ضروری است. الان تقریباً در تمام مدارس دینی پاکستان این مواد در مقطع مقدمات تدریس می‌شود. در بعضی مدارس تا مقطع متوسطه و در بعضی تا مقطع عالی و تخصصی نیز تدریس می‌شود. از بعضی مدارس دینی اطلاع دارم که زمینه آموزش و فراگیری علم حقوق و قانون را در سطوح عالی و تخصصی برای طلاب فراهم کرده‌اند. در بعضی از مدارس نیز اصول و مبانی تجارت و اقتصاد تدریس می‌شود و در بعضی علم مدیریت. این پیشرفت بزرگ و تحوّل خوش‌آیندی است و من یقین دارم که در نتیجه این برنامه‌ها، علمایی تربیت می‌شوند که می‌توانند با ادبیات روز و زبان معیار این عصر سخن بگویند و درک واقع‌گرایانه و دقیقی از جهان امروز داشته و امام غزالی و امام رازی دوران خود باشند. امام غزالی و امام رازی علوم جدید و رایج در زمان خودشان را فراگرفتند و در آن علوم امام و سرآمد هم‌عصران خود شدند تا آن‌جا که نام‌های آنان ضرب‌المثل شده است. آنها فلسفه یونانی و آثار فلاسفه را مطالعه و سپس به نقد آن پرداختند. نقاط ضعف فلسفه را مشخص کرده و از نکات

است؛ چرا که این یک آرمان و رویکرد با ارزش و والا است که برای تحقق آن همواره باید تلاش کرد و به این تلاش طاقت‌فرسا ادامه داد تا آینده ما بهتر از گذشته شود و نسل‌های آینده توانمندتر گردند. گمان من این است که دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد تا حال در این راستا موفق بوده است، یعنی کوشش‌ها در راه رسیدن به نقطه مطلوب همچنان ادامه دارد، اگرچه بعضی وقت‌ها سیر صعودی پیدا می‌کند و بعضی وقت‌ها حرکت کند می‌شود، و گاهی بنابر برخی عوامل و اسباب حرکت متوقف می‌شود، اما در هر حال این هدف در سرلوحه تلاش‌ها و برنامه‌های مدیران، اساتید و دانشجویان این دانشگاه قرار دارد. تدوین مواد درسی نیز بر مبنای همین اهداف انجام می‌گیرد. علاوه بر این، کوشش شده تا از تجارب نظام‌های آموزشی مراکز علمی - دانشگاهی مسلمانان در دنیای عرب و دانشگاه‌های دیگر جهان، در نظام آموزشی دانشگاه بین‌المللی اسلامی استفاده شود. این یک کار و برنامه مسلسل و همیشگی است و همواره ادامه خواهد یافت.

### ▣ به نظر شما تا چه حد نیاز است که در نظام آموزشی مدارس دینی تحوّل ایجاد شود و چگونه می‌توان تلفیقی از نظام‌های رایج در مدارس علوم دینی و دانشگاه‌ها به وجود آورد؟

▣ فکر می‌کنم که این یک نیاز جدی است و با گذشت زمان و سرعت تحولات در دنیای امروز ضرورت آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. بنده در این زمینه تلاش بسیار کرده‌ام؛ زمانی که مسئولیت وزارت امور مذهبی پاکستان را برعهده داشتم این موضوع را با علما و مدیران مدارس دینی در میان گذاشتم و با آنها نشست‌هایی را برگزار کردم. در ابتدا بعضی از علما در مورد مفید بودن این تغییر خیلی مطمئن نبودند و از این امر واهمه داشتند. آنها بنابر اخلاصی که داشتند گمان می‌کردند که اگر در نظام آموزشی مدارس دینی بعضی از علوم جدید گنجانده شود و تحوّل صورت گیرد، توجه و اهتمام طلاب مدارس دینی به علوم و معارف اسلامی کمتر می‌شود و در رسیدن به اهدافی که مدارس دینی برای دست یافتن به آنها ایجاد شده‌اند

مذهب اهل سنت و جماعت است. حالات این جا تقاضا می کند که در میان پیروان این دو مذهب، فضای اعتماد و تفاهم وجود داشته باشد و در میان آنها کشمکش نباشد. رهبران هر دو مذهب شیعه و اهل سنت اهمیت این امر را احساس کرده، در کنار هم قرار گرفته و همراه یکدیگر حرکت کنند، و این مسئولیت خصوصاً متوجه مذهب اکثریت در کشور می شود چرا که حکومت و قدرت در دست آنهاست و آنها هستند که تمام اختیارات و امکانات را در دست دارند. به همین دلیل مذهب حاکم به عنوان برادر بزرگتر مسئولیتش بیشتر است. الله تعالی به هر کس هر قدر قدرت و امکانات بدهد، به همان مقدار مسئولیتش بیشتر است. لذا جزو مسئولیت و فرایض برادران شیعه ماست که در کنار و همراه اهل سنت حرکت نمایند، حقوق شهروندی و مذهبی آنها را رعایت کنند و تعامل آنها طوری نباشد که اهل سنت احساس کنند در این کشور شهروند درجه دوم هستند.

دولت مردان و شخصیت های برجسته ایرانی در گذشته روابط بسیار خوبی با جهان اهل سنت داشته اند. رهبر ایران جناب آیت الله خامنه ای که خود از علما و متفکرین برجسته اند، زمانی کتاب های بعضی از رهبران و اندیشمندان بزرگ اهل سنت را ترجمه کردند تا برادران شیعه ایرانی را از افکار آنان آگاه سازند. امروزه که ایشان در بالاترین مقام حکومتی در ایران قرار دارند و رهبری کشور برعهده ایشان است، انتظار می رود که با همان جذب و شور با اهل سنت تعامل داشته باشند و سیاست های اجرایی حکومت نیز در مواجهه با شهروندان اهل سنت بر این مبنا استوار باشد.

یکی دیگر از شخصیت های ایرانی دوست عزیزم جناب آقای آیت الله محمدعلی تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی است که تلاش های زیادی را برای تقریب بین شیعه و اهل سنت انجام داده اند؛ خصوصاً از ایشان انتظار می رود که در سایه فلسفه تقریب برای ایجاد تقریب عملی از نفوذ و جایگاه خود استفاده کنند و اگر چنانچه اهل سنت درخواست منطقی و قانونی ای مطرح کردند، به آن توجه شود و تا حد امکان عملی گردد. ■

(ایماناً و احتساباً) فریضه حق گویی را انجام دهند و در راستای همراه سازی ملت و حکومت تلاش کنند و به وسیله تربیت، اخلاق، نصیحت، مشورت و وعظ حافظ و پاسدار ارزش ها در جامعه باشند. و اگر این روش ها مؤثر واقع نشد، از نهی از منکر و هشدار استفاده نمایند.

## ۲ ارزیابی شما از سفر به ایران و دیدار از دارالعلوم زاهدان چیست؟

از سفر خود به ایران و دیدار از دارالعلوم زاهدان بسیار خوشحالم. حقیقت این است که با دیدار از دارالعلوم زاهدان و مشاهده فعالیت های آن، این اطمینان قلبی را در خودم احساس کردم که ان شاء الله آینده جهان اسلام با این قبیل فعالیت ها خوشحال کننده تر و روشن تر خواهد بود. شهری دورافتاده از مرکز کشور و مراکز بزرگ جهان اسلام مثل زاهدان که از لحاظ مادی و امکانات ضعیف است، خصوصاً با کمبود شدید امکانات آموزشی مواجه است، اما با وجود این، دارالعلوم زاهدان با فعالیت های خود از برخی از مدارس بزرگ پاکستان هم جلوتر است. این جا کارهایی شروع شده که در مدارس دینی پاکستان تصور آن هنوز پیدا نشده است. جذب فرهنگیان و دانشگاہیان و برگزاری همایش های دانشجویی، کاری که دارالعلوم زاهدان و مدیران آن خصوصاً شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید و قبل از ایشان حضرت مولانا عبدالعزیز - رحمه الله - انجام داده است، در نوع خود یک کار تاریخ ساز است، و من یقین دارم که کارهای این بزرگان نویدبخش یک آینده روشن است. کارهایی که در نتیجه آن این منطقه مرکز علوم و فنون قرار می گیرد همان طور که در مقطع خاصی از زمان، نیشابور، شیراز، ری، مرو و گرگان از مراکز علوم و فنون این سرزمین بودند.

## ۲ چه تحلیلی از وضعیت جامعه اهل سنت در ایران دارید؟

وضعیت مذهبی در ایران بسیار دقیق و حساس است؛ چرا که در این جا پیروان دو مذهب بزرگ در کنار هم زندگی می کنند، اولی مذهب شیعه امامیه اثناعشری و دومی

## ۲ نقش علما و مدارس و مراکز دینی و تربیتی را در بیداری اسلامی چگونه ارزیابی می کنید؟

نقش مراکز دینی و تربیتی در عرصه بیداری اسلامی بسیار برجسته است، و همانا وظیفه اصلی آنها این است که تربیت دینی توده مردم را برعهده بگیرند و در میان توده ها شعور دینی را احیا کنند. علما در هر جا حضور دارند با توده مردم همیشه در ارتباط باشند، نمازهای پنجگانه را امامت کنند، روز جمعه در سطح عمومی تری ارتباط داشته باشند، مکاتب و مراکز آموزش دینی را راه اندازی و آنها را تقویت کنند. حضرت عمر فاروق رضی الله عنه فرموده است: «هرکس که در بازار نشسته و تجارت می کند باید فقیه باشد؛ بازار می روید، در آن جا با فقها ملاقات داشته باشید؛ به مسجد می روید، آن جا با علما ملاقات کنید؛ خانه می روید در دامان والدین نیک باشید.» اگر این امور مطابق معیار باشد در نتیجه آن شعور و احساس دینی پیدا می شود و بیداری می آید، اما حالا چون این نظام مختل شده و این فکر حاکم نیست، احیای این تفکر و ایجاد شعور دینی مسئولیت همه اعم از حکومت و مردم است، اما بزرگترین مسئولیت به علما برمی گردد. خداوند متعال آنان را جانشینان پیامبران قرار داده، کاری که پیامبران انجام می دادند آن کار را امروز علما باید انجام دهند. به همین خاطر اگر علما این کار را در دست بگیرند این کار انجام می شود و اگر این کار را ترک کرده و به کارهای دیگر مثل تجارت، سیاست و غیره مشغول شوند این کار معطل می ماند. علما نباید رقیب حکمرانان و رهبران سیاسی قرار گیرند بلکه باید نقش معاون مخلص و ناصح امین را ادا کنند، چنان که تعامل انبیا این چنین بوده است و آنها همیشه و برای همه اقشار ناصح امین بودند. لذا وظیفه علما ایفای نقش ناصح امین و معلم محتسب است. منظور از محتسب این نیست که علما چوب به دست بگیرند و بیرون بیایند و احتساب را شروع کنند؛ بلکه منظور از احتساب این است که با استحضار به این که باید در بارگاه الهی پاسخ گو باشیم و با استحضار اجر و ثواب از جانب الله